

کودکان کمتر از شش سال

ظرف ده سال تعداد کودکان کمتر از شش سال در جهان به ۹۰۰ میلیون خواهد رسید

مقالات این شماره پویله
آقای شاپور اسدیان ترجمه شده است

نوشته هانری دیوزد

در بسیاری از کشورها موسسات آموزشی تنها به کودکان پنج تا شش سال به بالا که سن ورود اجباری به دبستان محسوب میشود می پردازند و حال آنکه از زمان تولد تا شش سالی رشد کودک به لحاظ روانی و جسمانی نسبت به هر دوره دیگری از زندگی وی سریعتر است.

کودک از دو تا سه سالگی برای برقراری روابط با خارج از محیط تنگ خانوادگی و نیز برای قبول برخی از رفتارهای مستلزم توانائی می گردد. بنابراین او به فرایند تلقیق دانش اموخته شده با ذهن خود که به وسیله آن شیوه زیستن را می آموزد، آغاز می کند.

پیام یونسکو در این شماره طرفی را که موسسات گوناگون آموزشی مخصوص کودکان زیر شش سال در سراسر جهان برای کمک به این فرایند به منظور فراهم آوردن امکان رشد شخصیت کودک انتخاب نموده اند مورد بررسی قرار می دهد.

مهم آموزش قبل از مدرسه هنگامی که امروزه شایع شده و مورد قبول قرار گرفته است. تجرد یک کوشش دراز مدت بین المللی است. این کوشش عظیم که از جنگ دوم جهانی به بعد بر تعداد مؤسسات آموزشی مخصوص کودکان زیر شش سال بسیار افزوده است همه اصلاً الهامش را از یک جریان فکری و فطرتی گرفته که گمانش آن است که با کودکان مانند یک شخصیت کامل رفتار شود و آنان به عنوان کودک مورد قبول و احترام و قدرتی قرار گیرند.

مؤسسات آموزشی مخصوص کودکان زیر شش سال اکنون به اشکال شگفت و متنوع وجود دارد. در آن جمله:

۱- بالادبیا، در هند که از مؤسسات روستایی بسیار گهسال الهام گرفته اند. معالمانه و در سوئدان که شیرخوارگهایی هستند که توسط جوامع مذهبی اداره می شوند و نیز گروهی بسیار بزرگی که به نام کرمی در انگلستان دایر هستند. در کشورهای دیگر نیز مؤسساتی به اساسی گوناگون مانند کودکستان، مهد کودک و شیرخوارگه تأسیس شده اند. وجود این همه مؤسسات نشانه نوجویی است که در تمام جامعه ها برای گناه پذیردند جسمی فکری کودک از زمان سالهای نخستین مستحکمتر ساختن پایه های زندگی شخصی و اجتماعی آینده وی مطلوب می گردد.

این فعالیتها که زایش دارای اهمیتند زیرا از گروه بندی و گروه آوری کودکان ناحیه یا دوستی منتهی می گزید (مانند سازمانهای در آلمان و اورد) گرفته تا مواظبت شبانه روزی همه کودکان جامعه (مخیمات) که در کشورهای بسیار کشور اسرائیل معمول است) را شامل می شود. ممکن بود هست که این دو فعالیت با اساسی اشتکات بسیار گوناگون اشتراک باشد از اشکالات نامشغالی محیطی، مؤسسات و روشها گرفته تا احساسات و گروههای خصوصی که فریب به یک سو و کل را تشکیل می دهند. ولی آنچه همه آنها تقریباً یکسان است.

کودگانی زیر شش سال بطور مطلق در این گونه مؤسسات گروه می آیند و در آنها به آنها کمک می کند تا اندیشه ها و نیت خود را با زبان خود بهتر بیان کنند و در زمینه بهداشت

هانری دیوزد Henri Duijzeides فعال مدیریت بخش سازمانها، مجازاها، شیوعاً و موقن آموزش را در پاریس و نیز مدیریت مجله انسانی تعلیم و تربیت را که یک مجله سه ماهه آموزشی است بر عهده دارد. او در گذشته مدیر رادیو - تلویزیون آموزشی و رئیس بخش پژوهش حوسه ملی تعلیم و تربیت در پاریس بوده است. او آثار بسیاری درباره شیوعاً و موقن آموزش تألیف نموده که از آن جمله می توان کتاب «تاریخ و وسایل سعی و سعی در آموزش» را نام برد که به نقل زبان نوحه شده است. (۱۹۶۰)

عادات مفیدی کسب کند و به کشف رموز بیان موزون اندیشه ها و خصوصیات فکری خود نایل آید. برهنه، آواز بخواند، نقاشی کند. از خاک رس و ماسه اشکال گوناگون درست کند و بتواند اشیای بسازند. به روش دقیق در طبیعت بنگردد، گیاهان و حیوانات محبوسیت خود را محترم بشمارد، اشیای را به لحاظ طبیعت و شکلشان جور و طبقه بندی کند و بالای از همه به آنان یاد می دهد که چگونه با هم زندگی کنند و به صورت افراد مسئول در آیند. تعداد کودکانی را که در ۱۹۶۸ در این کوب مؤسسات گروه آمده اند چهل و پنج میلیون تخمین می زنند که نزدیک همه برابر تعداد انسان در بیست سال پیش است. بسیاری از کشورها در این زمینه دارای سنت قدیمی هستند. اگر چه تأسیس هیئتروشنکده در اروپای غربی به ابتدای قرن نوزدهم میلادی به استناد انتقال سنتی مریس کرد و این آغاز فعالیتها است که افرادی مانند فروبیل (آلمان)، و گرونی (آر بلژیک)، ماریا بونسوری (آر ایتالیا) و آلان کی (آر سوئد) در این نقش بسیار برجسته می داشته اند. ما نوحه به اینکته در بلژیک، سال ۱۷۸۲ زاده شده و ماریا بونسوری در ۱۸۵۲ در گدشت شامل یک قرن نیم پژوهش و تجزیه و موفقیت بوده است. ولی شیرخوارگه های روستایی تازه اساساً مکتبهای قرائت قرآن در کشورهای مسلمان غربی است از مؤسسات فلسفی وجود داشته اند.

قبل از فروبیل آموزش کودکان زیر شش سال به طبقات برگیرنده اختصاص داشت و از زمان وی به بعد هم غالباً این وضع ادامه یافت. طبقات ممتاز اجتماعی و نیز فرستندنی بودند. کشورها نسبت به تفرعاتی محروم اجتماع کشور، های فقیر آسانتر می توانستند به آموزش قبل از مدرسه دسترسی یابند ولی امروزه اغلب آموزش قبل از مدرسه از طرف همه طبقات مورد قبول قرار گرفته و بیش از پیش به عنوان یک وسیله اساسی برای دادن جنبه دموکراتیک به جامعه تلقی می شود.

در واقع از زمانی که نخستین شیرخوارگه ها به اینکار یکی از کشیشان موسوم به یوجند فردیچ آبرلین در ۱۷۶۷ در مناطق روستایی در دست آژانس دایر شده اند اطلاعات واضح مربوط به این مسئله با رشد جامعه گسترش پیدا کرده است.

نخست تمدنهای سنتی و سپس آرزوی دست یابی به توسعه اقتصادی در بقیه جهان از آن سلول خانوادگی طبیعی را که تا اینک گسترده آموزش نخستین بود به طرز مقاومت تابندگی متزلزل ساخت. اکنون در بیشتر کشورها تا کثرت زنان خانه و حتی شغل خانوادگی خود را از دست

۱- این رقم شامل کودکان حسودی خلق چند، حسودی، موسالست و نوانم و جزیره در کرانه ها حلقه اثره نیست.

کودکان کمتر از شش سال

ظرف ده سال تعداد کودکان کمتر از شش سال در جهان به ۹۰۰ میلیون خواهد رسید

مقالات این شماره بوسیله

آقای شاپور اسدیان ترجمه شده است

نوشته هانری دیوزد

در بسیاری از کشورها موسسات آموزشی تنها به کودکان پنج تا شش سال به بالا که سن ورود اجباری به دبستان محسوب میشود می پردازند و حال آنکه از زمان تولد تا شش سانی رشد کودک به لحاظ روانی و جسمانی نسبت به هر دوره دیگری از زندگی وی سریعتر است.

کودک از دو تا سه سالگی برای برقراری روابط با خارج از محیط تنگ خانوادگی و نیز برای قبول برخی از رفتارهای مستقلانه توانا تر می گردد. بنابراین او به فرایند تلفیق دانش آموخته شده با ذهن خود که به وسیله آن شیوه زیستن را می آموزد، آغاز می کند.

پیام یونسکو در این شماره طرقی را که موسسات گوناگون آموزشی مخصوص کودکان زیر شش سال در سراسر جهان برای کمک به این فرایند به منظور فراهم آوردن امکان رشد شخصیت کودک انتخاب نموده اند مورد بررسی قرار می دهد.

مفهوم آموزش قبل از مدرسه همانگونه که امروزه شناخته شده و مورد قبول قرار گرفته نتیجه یک کوشش درازمدت بین المللی است. این کوشش عظیم که از جنگ دوم جهانی به بعد بر تعداد مؤسسات آموزشی مخصوص کودکان زیر شش سال بسیار افزوده است هسته اصلی الهامش را از یک جریان فکری و فعالیتی گرفته که هدفش آن است که با کودکان مانند یک شخصیت کامل رفتار شود و آنان به عنوان کودک مورد قبول و احترام و قدردانی قرار گیرند. مؤسسات آموزشی مخصوص کودکان زیر شش سال اکنون به اشکال متعدد و متنوع وجود دارد. از آن جمله:

«بالوادیا» در هند که از مؤسسات روستایی بسیار کهنسال الهام گرفته اند، «خالواها» در سودان که شیرخوارگانهایی هستند که توسط جوامع مذهبی اداره می شوند و نیز «گروههای بازی» که به تازگی در انگلستان دایر گشته اند. در کشورهای دیگر نیز مؤسساتی به اساسی «گوناگون» مانند کودکستان، مهد کودک و شیرخوارگاه تأسیس شده اند. وجود این همه مؤسسات نشانه توجهی است که در تمام جامعه ها برای کمک به رشد جسمی و فکری کودک از همان سالهای نخست و مستحکمتر ساختن پایه های زندگی شخصی و اجتماعی آینده وی مبدول می گردد.

این دخالتها کم یاب نیستند و اهمیت دارند زیرا از گروه بندی و گروه آوری کودکان ناحیه یا روستا هفته بی یکبار (مانند ساباتیناس در السالوادور) گرفته تا مواظبت شبانه روزی همه کودکان جامعه (همچنانکه در کیوتو نیز میمهای کشور اسرائیل معمول است) را شامل می شود. ممکن هم هست که این دخالتها بر اساس ابتکارات بسیار گوناگون استوار باشد: از ابتکارات جامعه های محلی، مؤسسات و دولتها گرفته تا اقدامات و گروههای خصوصی که قریب به یک سوم کل را تشکیل می دهند. ولی اصول همه آنها تقریباً یکسان است.

کودکان زیر شش سال به طور مرتب در این گونه مؤسسات گردهم می آیند و در آنجا به آنها کمک می کنند تا اندیشه ها و نیات خود را به زبان خود بهتر بیان کنند و در زمینه بهداشت

عادات مفیدی کسب کنند و به کشف رموز بیان موزون اندیشه ها و خصوصیات فکری خود نایل آیند، برقصند، آواز بخوانند، نقاشی کنند، از خاک رس و ماسه اشکال گوناگونی درست کنند و بتوانند اشیایی بسازند، به دیده دقیق در طبیعت بنگرند، گیاهان و حیوانات محیط زیست خود را محترم بدانند، اشیاء را به لحاظ طبیعت و شکلشان جور و طبقه بندی کنند و بالاتر از همه به آنان یاد می دهند که چگونه با هم زندگی کنند و به صورت افراد مسئولی در آیند.

تعداد کودکانی را که در ۱۹۷۸ در این گونه مؤسسات گردهم آمده اند چهل میلیون تخمین می زنند که نزدیک به سه برابر تعداد آنان در بیست سال پیش است. بسیاری از کشورها در این زمینه دارای سنت قدیمی هستند. اگر چه تأسیس «پرورشگاه» در اروپای غربی به ابتدای قرن نوزدهم میلادی و به آستانه انقلاب صنعتی برمی گردد و این آغاز فعالیتهاست که افرادی مانند فروبیل از (آلمان)، دکرولی (از بلژیک)، ماریاموتسوری (از ایتالیا) و ران کی (از سوئد) در آن نقش بسیار برجسته ای داشته اند و با توجه به اینکه فروبیل به سال ۱۷۸۲ زاده شده و ماریاموتسوری در ۱۹۵۲ در گذشته شامل یک قرن و نیم پژوهش و تجزیه و موفقیت بوده است، ولی شیرخوارگانهایی روستایی قاره آسیاها مکتبهای قرائت قرآن در کشورهای مسلمان قرنهای پیش از مؤسسات فعلی وجود داشته اند.

قبل از فروبیل آموزش کودکان زیر شش سال به طبقات برگزیده اختصاص داشت و از زمان وی به بعد هم غالباً این وضع ادامه یافت. طبقات ممتاز اجتماعی و نیز فروتمندترین کشورها نسبت به قشرهای محروم اجتماع و کشورها فقیر آسانتر می توانستند به آموزش قبل از مدرسه دسترسی یابند ولی امروزه اصل آموزش قبل از مدرسه از طرف همه ملتها مورد قبول قرار گرفته و بیش از پیش به عنوان یک وسیله اساسی برای دادن جنبه دموکراتیک به جامعه تلقی می شود.

درواقع از زمانی که نخستین شیرخوارگاهها به ابتکار یکی از کشیشان موسوم به یوحنا فردریخ ابرلین در ۱۷۶۷ در مناطق روستایی دوردست آتراس دایر شده اند اطلاعات واقعی مربوط به این مسئله با رشد جامعه گسترش پیدا کرده است.

نخست تمدنهای صنعتی و سپس آرزوی دستیابی به توسعه اقتصادی در بقیه جهان از کان سلول خانوادگی طبیعی را که تأمین کننده آموزش نخستین بود به طرز مقاومت ناپذیری متزلزل ساخت. اکنون در بیشتر کشورها اکثریت زنان خانه و حتی شغل خانوادگی خود را، اعم

هانری دیوزد «Henri Dieuzeide» فعلاً مدیریت بخش سازمانها، محتواها، شیوهها و فنون آموزشی را در یونسکو و نیز مدیریت مجله «نمای تعلیم و تربیت» را که یک مجله سه ماهه آموزشی است بر عهده دارد. او در گذشته مدیر رادیو - تلویزیون آموزشی و رئیس بخش پژوهشی موسسه ملی تعلیم و تربیت در پاریس بوده است. او آثار بیشماري درباره شیوهها و فنون آموزشی تألیف نموده که از آن جمله می توان کتاب «کاربرد وسایل سمعی و بصری در آموزش» را نام برد که به شش زبان ترجمه شده است (۱۹۶۶).

۱- این رقم شامل کودکان جمهوری خلق چین، جمهوری سوسیالیستی ویتنام و جمهوری دموکراتیک خلق کره نیست.

این کودک یمتی که روی یکی از پاهای خود محکم ایستاده و با پای دیگر به سوی آینده خیز برداشته یکی از ۷۶۵ میلیون نفر کودک زیر شش سال در جهان است که فقط تعداد اندکی از آنان به کودکانها راه یافته اند. پژوهشهای تازه نشان می دهند که سنین زیر شش سال برای آموزش کودکان اهمیت بسیار زیادی دارد. زیرا از سطح متوسط دانش و آگاهی که تا هفده سالگی کسب می شود کودک پنجاه درصد آن را پیش از چهار سالگی و سی درصد آن را از چهار تا هشت سالگی فراموش می کند.



زندگی خصوصی کودکان

کودکان در جهان عموماً علیرغم اختلافات ناشی از محیط جغرافیایی، شرایط زندگی، سازمانهای اجتماعی و ارزشهای فرهنگی واجد تعداد معینی از خصوصیات مشترکند و مراحل رشد یکسانی را می‌گذرانند. نکاتی که در این صفحه (صفحه ۷) درج گردیده از گزارش مربوط به پژوهشی که بنابه درخواست یونسکو توسط مرکز بین‌المللی کودکان انجام گرفته، اخذ شده است. این نکات فقط نشانه‌هایی درباره رشد قابلیت تحرک، ادراکهای حسی، زبان و ارتباط با دیگران است. ولی هر کودکی خصوصیات و شخصیت ویژه‌ی برای خود دارد و این مکتسبات را نمی‌توان حد و مرزی شمرد که کودک در سن معینی به‌اجبار باید از آن عبور کند. نقطه نشانه‌های انفرادی دیگری نیز وجود دارد که خود اولیای اطفال با مشاهده و تجربه بدانشانی می‌برند.

Photo © Monique Manceau, Paris



از کار در مزرعه یا کارگاه، ترك می‌کنند تا در جاهای دیگر به‌طور منظم یا به‌طور فصلی بکار پردازند. در وضع حاضر آنچه ضرورت دارد اینست که بین خانواده و جامعه پیوندی بوجود آید بویژه بیشتر از آن جهت که توسعه اقتصادی در مورد محتوای آموزش نخستین مقتضیات و الزامات تازه‌ی را ایجاب می‌کند.

مثلاً در مجارستان که زنان چهل و چهار درصد جمعیت حقوق بگیر را تشکیل می‌دهند مهد کودکها و کودکستانها به‌صورت قاعده در آمده‌اند و خدماتشان را به‌عنوان مؤسسات غیرشبهانه روزی با غذا و مؤسسات غیرشبهانه‌روزی فصلی در تابستان و یا مؤسسات شبهانه‌روزی شش روز در هفته عرضه می‌دارند. در سنگال که فصل باران ایجاب می‌کند تا زنان در شالیزارها به‌کار شدید و مداومی پردازند این ضرورت بوجود آمده که شیرخوارگاههای موقتی برای مدت دو ماه در سال تأسیس گردد. در هند دهها هزار مادری که در کارگاههای ساختمانی کار می‌کنند کودکان خود را برای سراسر روز به‌مهد کودکهای سیار می‌سپارند (به‌صفحه ۲۴ مراجعه کنید).

وانگهی امروزه همه روانشناسان کودک در مورد اهمیت چهار یا پنج سال اولیه زندگی کودک برای تکوین شخصیت وی، اعم از رشد استعدادهای منطقی و زبانی، تعادل عاطفی و توانایی برقراری رابطه اجتماعی، اتفاق نظر دارند. ولی پژوهشهایی که تنها در مورد رشد فکری در زمانهای اخیر انجام گرفته‌نشان می‌دهند که نسبت به‌سطح دانش کلی که تا هفده‌سالگی فرا گرفته می‌شود در حدود پنجاه درصد مکتسبات در سن چهارسالگی در صد بقیه نیز در فاصله چهار و هشت سالگی در ذهن کودک نقش می‌بندد.

بنابراین مهمترین بخش زمانی که کودک در فاصله هشت و هفده سالگی در مدرسه می‌گذراند اختصاص به تأمین بیست درصد باقی مکتسبات علمی دارد. و این بدان معناست که نحوه توزیع فعلی امکانات مالی در سطوح مختلف تحصیلی به بررسی مجدد نیاز دارد. و حتی برخی از اقتصاددانان تابد انجا پیش می‌روند که ادعا می‌کنند سرمایه‌گذاری اصولی و خاص مقامهای آموزشی در زمینه آموزش قبل از مدرسه امکان تحقق صرفه‌جویی‌های قابل توجهی را در مورد سرمایه‌گذاریهای آموزشی آینده فراهم می‌سازد.

به‌هر حال اکنون چنین بنظر می‌رسد که آموزش قبل از مدرسه در صورتیکه با هزینه قابل تحمل و مناسبی انجام گیرد می‌تواند برای تأمین عدالت بیشتر و برابری امکانات موفقیت در زندگی، در حدی که به کاهش عقب‌ماندگی‌های اجتماعی و فرهنگی که تعداد بسیار زیادی از کودکان اکنون بدان مبتلا هستند (عدم توانایی برای بکار بردن زبان یا مفاهیم انتزاعی، تغذیه غیر کافی و نامناسب، فقدان مراقبتهای پزشکی، قصور در کشف‌عقب‌ماندگی‌های جسمانی و غیره) کمک می‌کند، یک عامل قطعی بشمار آید.

ولی کوششهایی که باید انجام گیرد بسیار عظیم است. نخست به‌علت حجم مسئله: در وضع حاضر در جهان ۷۶۵ میلیون نفر کودک بین صفر تا شش سال وجود دارد و پس از ده سال این رقم تقریباً به‌نصیب میلیون نفر خواهد رسید. و این بدان معناست که اکنون از هر ده کودک سه تا شش ساله فقط یک نفر می‌تواند از آموزش نخستین‌سازمان یافته برخوردار گردد. و سپس به‌علت نقائص موجود در برخی از آموزشهای نخستین طبقه‌بندی شده به‌جای اینکه به‌عنوان نخستین مرحله یک تلاش وسیع برای تأمین آموزش مستمر و همگانی تلقی شوند،

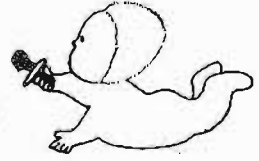
کودکان زیر سه سال

از زمان تولد تا سه ماهگی:



کودک تقریباً همیشه در خواب است. او می‌آموزد که به چهره بی‌نگرد و به‌عنوان واکنش در مقابل نگاه طرف بخندد. او به‌شدت سر و صدا واکنش نشان می‌دهد. او مادرش را به وسیله حس بینایی و مخصوصاً به وسیله حس بویایی و شنوایی و شاید به وسیله ادراکهای حسی که مشکل بتوان آنها را توصیف کرد می‌شناسد. او چیزی را که در دست وی می‌گذارند بی‌اراده در دستش نگه می‌دارد. او خود به‌خود واکنش زرمزه می‌کند. او با اطرافیان خود ارتباط برقرار می‌سازد و بویژه در مقابل حالت روانی مادرش (آرامش یا برآشفگی وی) واکنش نشان می‌دهد.

از سه تا شش ماهگی:



اگر او را با دست نگه دارند، می‌تواند چند لحظه به‌حالت نشسته قرار گیرد. دستش را به‌سوی چیزی که به‌وی نشان می‌دهند دراز می‌کند و به‌میل و اراده خود آنها را می‌گیرد. هر چیزی را به‌دهان خود می‌برد. این حرکت برای وی یک وسیله اکتشاف و شناسایی است. اندک‌اندک به‌جستجوی اسباب بازی گشوده می‌پردازد. اشیاء را نه بین انگشت شصت و سیاه بلکه بین کف دست و چهار انگشت آخر می‌گیرد. به‌عنوان واکنش در مقابل حرکات بزرگسالان قهقهه می‌زند.

از شش تا نه ماهگی:



می‌تواند به‌تنهایی لحظه‌به‌لحظه به‌حالت نشسته قرار گیرد و اگر او را با دست نگه دارند می‌تواند بایستد و قادر است که به‌سوی چیزی یا شخصی بخزد. می‌تواند چیزی را از یک دست در دست دیگری بگذارد و خوشش می‌آید که آنها را ببندارد. می‌تواند چند کلمه ناقص و بی‌معنی ادا کند. قیافه افراد خانواده را می‌شناسد و از قیافه‌های ناشناخته می‌ترسد. می‌تواند اشیاء کوچک را بین انگشت شصت و سیاه بگیرد.

از نه تا دوازده ماهگی:



قادر است که با تکیه کردن به چیزی به‌تنهایی بایستد و اگر دو دست وی را بگیرند راه برود. صدا را تقلید و صوتی را که شنیده است تکرار می‌کند. قادر است که دو سه کلمه بی‌اراده ادا کند و اگر اطرافیان وی به آن کلمات معنایی داده باشند آنها را تکرار می‌کند. به‌شیوه خاص خود دو بازی با بزرگسالان شرکت می‌کند. نسبت به‌دنیای اطراف خود علاقه بسیار زیادی نشان می‌دهد.

از دوازده تا هجده ماهگی:



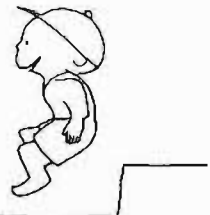
تنها راه می‌رود و به‌شناسایی محیط خانه می‌پردازد. می‌تواند پنج تا ده کلمه ادا کند. می‌تواند دو تا سه کلمه را روی هم بچیند و ظرفی (مثلاً تنجانی را) با سنگریزه پر کند. هنگام بازی با افراد بزرگتر از خود، در خانواده با حرکات خشم‌آلود و گریه حس حسادت و نیز واکنشهای دال‌بر همجنسی و رقابت از خود نشان می‌دهد. ابراز اینگونه حالات پر خاشگیری نشانه آغاز برقراری ارتباط با دیگران است.

از هجده تا بیست و چهار ماهگی:



نخست با کمک دیگران و سپس تنها با تکیه دادن می‌تواند از بله‌ی بالا برود و پایین بیاید. می‌تواند به‌تنهایی غذا بخورد. می‌تواند چشمان و بینی‌اش را نشان دهد. نسبت به‌انفعال بزرگسالان علاقه بسیار زیادی نشان می‌دهد و درصدد برمی‌آید که حرکات آنان را تقلید کند. سب دو سالتی نشانه آغاز واقعی ارتباط با دیگران است.

از دوسالگی تا سه‌سالگی:



می‌تواند به‌هوا بپرد، با دست و پا بالا رود و جست و خیز کند. زبانش بیشتر باز می‌شود و می‌تواند کلمه «من» را بکار ببرد. اندک‌اندک می‌تواند سوال بکند و آنچه را که به‌او می‌گویند می‌فهمد. می‌تواند از روی یک شکل شایره، دایره‌ی روی کاغذ بکشد. اندک‌اندک در بازی با دیگر کودکان تفاهم حاصل می‌کند.

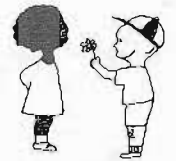
از سه تا شش سالگی

از سه تا چهار سالگی:



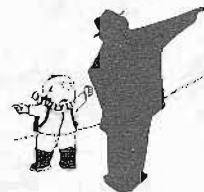
می‌تواند به‌تنهایی گردش کند و به‌دیدن بچه‌های هم‌سایه برود. می‌تواند لباسی خود را بپوشد و درآورد. به‌طور قابل فهم حرف می‌زند. دو یا سه رنگ را می‌شناسد. می‌تواند اسم و سن خود را بگوید و بگوید که آیا پسر است یا دختر. زیاد سوال می‌کند. به‌قصه گوش می‌دهد و می‌خواهد قصه‌هایی را که دوست دارد دوباره بشنود. نسبت به برادران و خواهران کوچکتر از خود محبت نشان می‌دهد.

از چهار تا پنج سالگی:



می‌تواند به‌هوا بپرد، جست‌و‌خیز کند، بپرند و تاب بخورد. می‌تواند تصویر یک مربع یا مثلث را بکشد، یا شکل آدمکی را با سر و دست و پاهایش نقاشی کند. می‌تواند انگشتانش را بشمارد. می‌تواند حوادث عمده قصه‌ی را که شنیده است بازگو کند. اگر او را از کاری که می‌خواهد انجام دهد بازدارند اعتراض می‌کند. بلندی و کوتاهی قد، شکل و درشتی و ریز بودن چیزی را تشخیص می‌دهد. می‌تواند شکل آدمکی را با سر، دستها و پاها و اعضای اصلی بدن آن نقاشی کند.

از پنج تا شش سالگی:



می‌تواند از درخت بالا رود و با آهنگ موسیقی برقصد. می‌تواند به‌طرز درست و بدون پیچیدگی زبان کودکانه حرف بزند. سمت راست و سمت چپ خود و دیروز و فردا را از هم تشخیص می‌دهد و به‌دانش سن جوانان و پیران علاقه‌مند می‌شود. می‌خواهد به‌معنای کلمه‌های انترامی برسد. به‌فعالیت‌های افراد خانواده خود و مردم محله علاقه پیدا می‌کند. بازی‌هایی از خود ابداع می‌کند و حین بازی قواعد و مقررات آن را تغییر می‌دهد. از تحکم متنفر است و دستورهایی را که به‌او می‌دهند به‌آهستگی انجام می‌دهد. می‌تواند شکل آدمکی را با سر، بالاتنه، دستها و پاها آن نقاشی کند.

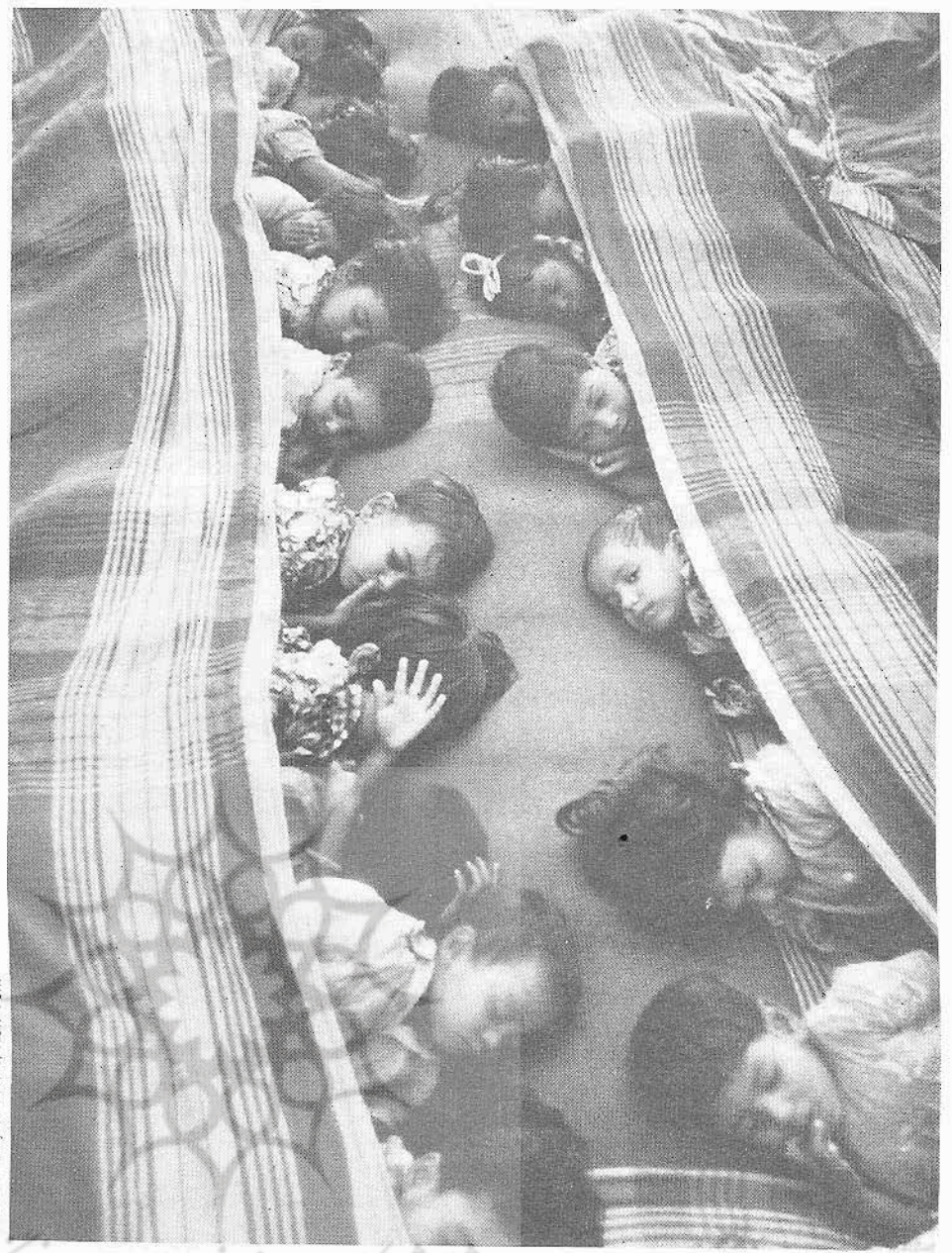
◀ توجهشان فقط معطوف به آماده ساختن کودکان برای ورود به مدارس ابتدایی است. و سوم بعلمت جنبه‌های هنوز بسیار محدود اصول و قواعدی که به اجرا گذاشته می‌شوند و در این مورد شاید محققان به قدر کافی از خود این سؤال را نکرده‌اند که شیوه‌ها و قواعدی که اکنون بکار بسته می‌شوند آیا با الگوی فرهنگی خاصی که به جهان غرب مربوط است پیوند بسیار زیادی ندارد؟

مسئولان کشورهای روبه توسعه اکنون بسیار آرزومندند که ببینند کودکانی که تربیت می‌شوند می‌توانند خود را با تحولات سریع منطبق سازند و رفتارهای انعطاف‌پذیر و آفریننده‌یی کسب کنند. آنان در پی دست‌یابی به بهترین شیوه برای تحقق مداومت دشواری هستند که لازم است بین فرهنگ اصلی کودک و فرهنگ جدید و متحولی که کودک باید فردا در آن زندگی کند، وجود داشته باشد.

يك دهم جمعیت جهان

بزرگ شدن کار سخت و دشواری است. ولی این پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های یکی از مراکز نگهداری اطفال در پاکستان (تصویر مقابل) و یکی از مهد کودکهای چین (تصویر پایین) حتی در ساعات استراحت، گروهی زندگی کردن را یاد می‌گیرند در صحنه روبرو یکی از روسای قبیله ما یا از اعماق قرون سپری شده این دختر خردسال مکزیک را که آمده تا در میان خرابه‌های مشهور پالانک در مکزیک خود را سرگرم سازد، پذیرا می‌شود. بر طبق سالنامه آماری یونسکو که در ۱۹۷۶ انتشار یافته طی ۱۹۷۵ تعداد کودکان زیر پنج سال در آسیا ۶۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ نفر و در آمریکای جنوبی ۵۱۶۹۰۰۰۰۰ نفر بوده است که مجموعاً در حدود يك دهم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند.

Photo © United Nations, New York



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



Photo: Varand - A. A. photo, Paris